

تاریخ اسلام و ایران

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا

سال نوزدهم، دوره جدید، شماره ۱، پیاپی ۷۵، بهار ۱۳۸۸

بحران مشروعیت دولت ناصری و تأثیر آن در گرایش ناصرالدین شاه به اصلاحات تجدید گرایانه

دکتر محمد امیر شیخ نوری^۱
زهرا علیزاده بیرجندی^۲

چکیده

در دوره ناصری، عوامل بحران زای متعددی از جمله نا آرامی های شهری، شورش های سیاسی و اجتماعی، اغتشاشات و غارتگری ها، به اعتبار مشروعیت نظام ناصری آسیب های جدی وارد ساخت. به دلیل تحولات زمانه و تفاوت ماهیت و مطالبات برخی از این شورش ها با شورش های سنتی، همچنین به سبب ناکارآمدی منابع مشروعیت ساز سنتی، مدیریت این بحران جز بر پایه ایده های سیاسی نو و استقرار نهادهای جدید امکان پذیر نبود. در واقع رویکرد ناصرالدین شاه به تجدید و اصلاحات متجددانه به منظور مقابله با بحران مشروعیت و باز سازی اقتدار و اعتبار نظام ناصری صورت گرفته است.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه الزهرا (س) dr_sheikhnuri2000@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه الزهرا (س)

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۱/۲۰

تاریخ تصویب: ۸۷/۹/۹

واژه های کلیدی: ناصرالدین شاه قاجار، بحران مشروعیت،

شورش ها، اصلاحات، تجدد.

مقدمه

نیم سده سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، دهه های دگرگونی در برخی از وجوه زندگی مادی و نظام تفکر سنتی جامعه ایران بود. این دگرگونی ها تحت تأثیر شرایط زمانه و تحولات جهانی و برخی از عوامل داخلی در دوره ناصری پدید آمد. ناصرالدین شاه در زمانه ای می زیست که پیشروی های جهان طلبانه اروپا و برتری های علمی و تکنیکی آنها چشم جهانیان را خیره کرده بود.

در جهان آن روز هیچ جامعه و ملتی نمی توانست در برابر این پدیده ها بی اعتنا بماند و از رویارویی با آن اجتناب ورزد. با توجه به این شرایط ناصرالدین شاه در معرض تجربه تجدد قرار گرفت و به اقتباس دستاوردهای مدنیت غربی و برخی از نهادهای تجدد علاقه مند شد و حتی زمینه اجرای آنها را در ایران فراهم کرد. با توجه به این مطالب، سؤال مهمی که در مقاله حاضر به آن پاسخ داده شده این است که چرا ناصرالدین شاه که خود کانون نخبگان حاکم نظام استبدادی بود، به تجدد که شالوده های آن نظم سیاسی کهن را به چالش می کشید و حقوق پادشاهی را در معرض تهدید قرار می داد، گرایش نشان داد؟

بحران مشروعیت حکومت ناصری و علل آن

ریشه های مفهوم مشروعیت به نوشته های فلاسفه یونان به ویژه افلاطون بر می گردد؛ البته این مفهوم در آرای جدید سیاسی نیز جایگاه مهمی پیدا کرده و تعاریف متعددی از آن است. در یک جمع بندی از این تعاریف می توان دریافت که مشروعیت، کیفیت ارزیابی شدن مثبت، اعتبار قانونی یافتن و مورد قبول قرار گرفتن نظام سیاسی است، مشروعیت توجیهی از حاکمیت است. قدرت هنگامی مشروعیت پیدا می کند که فرمان و اطاعت، توأم با حق و حقانیت تلقی شود. چنین امری لازمه استمرار قدرت است. زیرا قدرت در ذات خود متضمن نابرابری است و در میان

نابرابریهای انسانی، هیچ یک به اندازه نابرابری ناشی از قدرت و حاکمیت، نیازمند توجیه خود نیست. مشروعیت، پاسخی به این پرسش است که به چه دلیل عده ای از انسانها حق فرمانروایی دارند و دیگران وظیفه اطاعت؟

هر نظام سیاسی به تناسب بافت فرهنگی و اجتماعی خویش، برای دستیابی به اقتدار مشروع، افزون بر توانمندیهای عملی، نیازمند پشتوانه های محکم نظری است تا از طریق آن اعتبار خود را به اذهان بقبولاند. حکومت ناصری نیز مانند سایر نظامهای حکومتی از مبانی عملی و نظری ویژه ای برای توجیه مشروعیت خویش بهره برده است. در تکوین این مبانی نظری، سنت های پادشاهی ایران باستان به ویژه عناصر فرهمندی (فره ایزدی) و اندیشه های شیعی تأثیر گذار بوده اند. بر اساس نظریه ایرانی پادشاهی و حکومت، شاه دارای فره ایزدی و برگزیده خداست؛ از این رو فقط در برابر خدا مسئول است و فرمان شاه همچون فرمان یزدان مطاع است. پادشاه در دو صورت مشروعیت الهی (فره ایزدی) را از دست می داد: یکی در صورت ادعای خدایی و دیگر هنگامی که بیدادگری می کرد. پایبندی سلطان به عدالت و دادگری در نظریات اقتدار سیاسی شیعه نیز عنصری مهم و یکی از شرایط اساسی مشروعیت بخشی حاکمیت ها تلقی شده است. در اینجا گزیده ای از مطالب متون عهد ناصری را که متضمن اندیشه های مشروعیت ساز حاکمیت هستند، برای نمونه ذکر می کنیم:

دماوندی در «تحفة الناصریه» معتقد است که «سلطنت و نبوت دو نگین اند که در یک خاتم اند». امامت و امارت توأم اند، که به یک شکم زاده اند. پس گفته پیغمبر و سلطان یکی است و شک نیست که سلطان عادل را اطاعت فرض است چه او ظل الله فی الارض است. فرمانروا حق اجتهاد هم دارد. اعتماد سلطان به خرد است و عقل اوست که مدرک حسن و قبح اشیا است» (آدمیت، ناطق، ۱۳۵۶: ۱۳).

میرزا محمد نائینی از مجتهدان دوره ناصری در رساله «وجوب سلطنت ناصرالدین شاه» تأیید شرعی سلطنت می نویسد:

«سلطنت و پادشاهی ابد الله سبحانه ایامه و اعوانه بر آن حضرت که شاخص شخص ظل اللهی و ظل شاخص سبحانی است، از فرایض عینیّه و مفروضات شخصیّه شرعیّه آن وجود اقدس همایون

است» بدین وجه دولت و سلطنت اعلیحضرت مفروضه شرعیه خواهد بود (آدمیت، ناطق، ۱۳۵۶: ۱۵).

قزوینی نیز در دیباچه کتابچه قانون که انتقادی از اوضاع اجتماعی و اداری عهد ناصری است، شاه را «ظل الله الممدود علی الارض»، خطاب کرده، می نویسد: «ما ضعیفان از همه جا بیچاره و این جمله بیکسان از همه جا آواره را نه در دروازه قدم راهی و نه در کتم عدم قراری. پس از لطف خود ما را از دریای عدم به ساحل وجود رسانیده و از آن ساحل در ظل حمایت خود قرار داده به اشاره ظل الله الممدود علی الارض و فضله... فیها بالطول و العرض از آن بلندتر است که دست این کوتاه قامتان دایره امکان به آن رسد... به دلیل آیه «الله نور السموات و الارض... بلی همان نور شهود است که به جهت پیرایه استخلاص رفاهیت بندگان خود جناب احدیت از دریای رحمت در وجود ذیجود ظل الهی پرتو افکن شده حمداً بلا انتها شکراً بلا انقضا، دلیل بر ثبوت از وحدت به کثرت» (قزوینی، ۱۳۷۰: ۳۱).

روح حاکم بر این رساله‌ها و پند نامه‌های سیاسی و مضامین محوری آن چون وجاهت قدسی سلطنت و هم تراز پنداشتن فرایض دینی و شئون پادشاهی، تکرار تعبیر کلیشه‌ای اندرزنامه‌های سده‌های پیشین بود و با تحولات زمانه هیچ سنخیتی نداشت، از این روی، این پشتوانه‌های نظری و اعتقادی به تدریج و تحت تأثیر شرایط و عوامل داخلی و خارجی گوناگون به ویژه وقوع تحولات جهانی نوساناتی پیدا کرده و کار آمدی خود را برای توجیه حقانیت نظام از دست دادند و ناصرالدین شاه ناگزیر شد از ابزارها و شیوه‌های نوینی برای بازسازی مشروعیت خویش بهره گیرد. در تجربه تاریخی ایران یکی دیگر از ابعاد اقتدار شاهی، جنبه ایللیاتی قدرت و فرمانروایی است. این ویژگی در ادوار مختلف تاریخ ایران در قدرت یابی سلسله‌های حکومتی نقش آفرینی کرده است. اگر چه در دوره ناصری بسیاری از عادات و رسوم زندگی ایلی در شخص شاه پایدار مانده بود و در ترکیب نیروهای نظامی، نیروهای ایللیاتی نیز حضور داشتند، با این حال تحت تأثیر عوامل مختلف از قدرت ایلات کاسته شد و در این جریان، نوسازی ارتش و اصلاحات نظامی نقش مهمی را در کاستن از اقتدار ایلات ایفا کرد. از این رو این بعد اقتدار شاهی نیز از منظر ناصرالدین شاه و بر اساس خط مشی وی فاقد اعتبار بود.

در عصر ناصری به اعتبار و مشروعیت نظام حکومتی، خدشه های جدی وارد شده بود و عملکرد هیأت حاکمه یکسره از خواسته های گروه های بزرگی از مردم بیگانه بود. نمود این بحران را می توان از لابه لای متون آن عصر به ویژه از خاطرات، رساله های انتقادی و روزنامه ها دریافت. پولاک در سفرنامه اش ضمن ارائه تصویر کلی از حکومت ناصر الدین شاه به ستم های حاکمان در ولایات و نارضایتی مردم اشاراتی کرده و از عدم محبوبیت شاه سخن گفته است (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۹۸). در روزنامه *خاطرات اعتماد السلطنه* نیز اخباری درباره نصب اعلان هایی حاوی مطالب هجو آمیز در مورد ناصر الدین شاه و برخی درباریان آمده است (اعتماد السلطنه، ۱۳۸۵: ۳۶۰)، وی در جای دیگری در روزنامه *خاطرات* به طور تلویحی از بی اعتباری شاه نزد مردم سخن گفته: «.. شاه فرمود بلی پول داشتن خوب است ما در جوانی پول داشتیم، زیاد خرج می کردیم؛ حالا قدر پول می دانم که پیر شدم. می خواستم عرض کنم بلی آنوقت شما قدر پول را نمی دانستید مردم قدر شما را می دانستند، حالا که شما قدر پول می دانید نزد مردم بی قدرید» (همان: ۳۹۰).

گونه ای دیگر از متون عهد ناصری، رساله هایی درباره اوضاع و احوال اجتماعی و سیاسی است که از قلم و زبان اندیشه گران نکته سنج و منتقد آن روزگار تراوش کرده است، این گونه آثار به دلیل نگرش انتقادی نگارندگان آنها به اسلوب مملکتداری و رفتارهای دیوانی، طبعاً به شیوه ای محتاطانه و پنهانی دست به دست می گشته است. نگارش این رساله های انتقادی، خود به نوعی از بحران مشروعیت نظام حکایت می کند. در این جا، نام برخی از این رساله ها که تأثیر بیشتری در جامعه فرهنگی (و نه عموم آحاد مردم) داشته، نقل شده است:

- کتابچه غیبی یا دفتر تنظیمات، نگارش میرزا ملکم خان ناظم الدوله (سال ۱۲۷۵ هـ ق)
- رفیق و وزیر: میرزا ملکم خان (۱۲۶۷ هـ ق)
- مکتوبات کمال الدوله (سه نامه): فتحعلی آخوندزاده
- رساله مجدییه: مجد الملک سینکی (۱۲۸۷)
- یک کلمه: میرزا جعفر خان مشیر الدوله (۱۲۸۸)
- رساله آیین ملک داری: میرزا مصطفی خان پسر میرزا سعید خان مؤتمن الملک (۱۲۹۴)

- کتابچه مداخل و مخارج: میرزا ابراهیم بدایع نگار (۱۲۹۴)
 - یادگار حسن از آثار وین: حسن خداداد آذربایجانی، نایب اول سفارت ایران مقیم وین.
 (۱۲۹۹)

- الحمار یحمل اسفارا یا منطق الوحوش، تقلید مانندی است از نوشته کنتس دوسگور
 فرانسوی: ترجمه محمد حسن خان اعتماد السلطنه (۱۳۰۰)
 - روزنامه قانون: تأسیس و نگارش میرزا ملکم خان در لندن (۱۳۰۷ هـ ق) (قزوینی، ۱۳۷۰:
 ۱۲ مقدمه ایرج افشار).

گفتمان انتقادی در مورد شاه و حکومت ناصری تنها از طریق متون نوشتاری و اینگونه رساله ها صورت نمی گرفت، بلکه شیوه هایی دیگر نیز برای انتقال این انتقادات وجود داشت. در این زمینه می توان به نمایش ها و بذله گویی های دلچک های دربار ناصری به ویژه نمایش های کریم شیریه ای اشاره کرد. ارتباط این دلچک ها با عامه مردم از یکسو و با دربار و پادشاه از سوی دیگر، توانایی و مهارتشان را در نشان دادن واقعیتها و مشکلات موجود اجتماعی در قالب نمایش های طنز آمیز بالا می برد. این دلچکها نارضایتی مردم و شیوه عملکرد درباریان را به شیوه ای غیر مستقیم به اطلاع شاه می رساندند و از آن طرف نیز مردم را از آنچه در دربار می گذشت آگاه می نمودند. برای نمونه، نمایش بقال بازی کریم شیریه ای، ضمن اینکه انتقادی طعن آمیز و غیر مستقیم به عملکرد نخبگان حاکم است از ناخشنودی مردم از وضع موجود نیز حکایت می کند (Martin, 2007: 480).

عوامل بحران زا در مشروعیت حکومت ناصری:

۱- وابستگی به غرب به ویژه در بعد اقتصادی و سیاسی، زمینه مداخلات گسترده کشورهای غربی را در ایران و در نتیجه موجبات تهدید استقلال و تمامیت ارضی کشور را فراهم ساخت.
 ۲- تیرگی مناسبات دولت و روحانیون: حمایت روحانیون از شاهان قاجار به تدریج هر چه به دوران ناصری نزدیک می شویم، کمتر می شود و در مواردی مناسبات میان آنها به کشمکش و دشمنی می انجامد. به نظر می رسد، اقدامات دولت برای غربی کردن جنبه هایی از دولت، این

دشمنی را دامن زده باشد؛ زیرا قلمرو فعالیت علما محدودتر شد و از سویی نیز موقعیت آنان به منزله پیشوایان ملت بر ضد دولت افزایش پیدا کرد (الگار، ۱۳۶۹: ۱۹۷).

فرمان شاه خطاب به حکام در محرم ۱۲۷۴ تا حدودی مبین روابط دولت و روحانیون و منعکس کننده تصادم قدرت سیاسی عرفی است با دستگاه شرعی:

«... حکام بعضی از ولایات به عرض ما رسانیدند که علما و فضلا و ارباب فضل و علم و وظیفه ی شرعیه خودشان را کنار گذاشته مداخله در کارهای حکومتی می نمایند. اگر در یک مسئله مقتضی شود، حکم شرعی صادر گردد، صاحب حکم میل دارد خودش آن حکم را اجرا بدارد که در نفس الامر و واقع، حاکم شرع و عرف خودش بوده باشد. چون این مراتب یا مقتضیات امور سلطنت و حکومت به هیچ وجه من الوجوه مناسبت ندارد، اگر جلوی این کار گرفته نشود، طولی نخواهد کشید که مفسد آن ظاهر گردیده، مملکت از نظم افتاده، نسبت به عامه ی علما توهین و خلاف احترام وارد خواهد آمد...» (آدمیت، ناطق، ۱۳۵۶: ۱۸۲).

۳- شورش های داخلی؛

۴- بروز تمایلات تجزیه طلبانه سران ایالات؛

۵- فقدان یک نیروی نظامی کار آمد و ارتش منظم: وجود چنین ارتشی می توانست هم به صورت ابزار سودمندی در سیاست خارجی مورد استفاده قرار گیرد و هم در سرکوب شورشهای داخلی، حکومت را یاری رساند. تنها در دوره صدارت امیر کبیر، امور ارتش از جنبه های مختلف سامانی پیدا کرد، اما پس از برکناری وی دوباره راه انحطاط پیمود.

«آبراهامیان»، با در نظر داشتن موانع کسب مشروعیت شاهان قاجار، تحلیلی از جایگاه آنان در جامعه آن روز ارائه کرده، شاهان قاجار را ظل الله هایی می داند که حوزه اقتدارشان فقط محدود به پایتخت بود، پادشاهانی که خود را نمایندگان خدا بر روی زمین قلمداد می کردند اما عالمان مذهبی آنان را غاصبان حاکمیت خداوندی می دانستند. این حاکمان به دلیل محدودیت هایی که در اجرای تصمیمات خود داشتند از لحاظ نظری قادر مطلق، اما در واقع از جنبه های سیاسی ناتوان بودند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۲).

بررسی اسناد و مدارک تاریخی مربوط به دوره ناصری نشان می‌دهد که موضوع عدم امنیت، ناآرامی‌های متعدد شهری، گسترش روز افزون دامنه شورش‌ها، اغتشاشات و غارتگری‌ها از معضلات اساسی دولت ناصری بوده است. از آنجا که این شورش‌ها و ناآرامی‌ها به اعتبار و مشروعیت نظام ناصری آسیب‌های جدی وارد ساختند، اشاره به آنها ضروری می‌نماید. شورش‌های عهد ناصری را می‌توان با توجه به انگیزه‌ها، اهداف، ماهیت و شرکت‌کنندگان و مطالبات آنها در انواع مختلف طبقه‌بندی کرد. اما در یک تقسیم‌بندی کلی این شورش‌ها در دو نوع کلی سنتی و گذاری (نیمه سنتی - نیمه جدید) قابل طبقه‌بندی است.

شورش‌های سنتی شامل آن دسته از شورش‌هایی است که در سایر ادوار تاریخ ایران، نمونه‌هایی از آن یافت می‌شود و اختصاص به دوره ناصری ندارد. در این زمینه می‌توان به آشوب‌های مدعیان سلطنت و بلوهای برخاسته از بحران جانشینی در سلسله‌های ایرانی اشاره کرد. این بحران در بعضی موارد از انتصاب ولیعهد آغاز و تا جلوس وی به تخت سلطنت و حتی پس از جلوس شاه نیز با شدت و ضعف‌هایی ادامه پیدا می‌کند. ناصرالدین شاه نیز مانند بسیاری از پادشاهان ایرانی این بحران را تجربه کرد.

مهمترین مدعیان سلطنت و جانشینی که همواره ناصرالدین شاه از جانب آنها احساس خطر می‌کرده، عباس میرزا ملک‌آرا (برادر ناصرالدین شاه) و بهمن میرزا (عموی ناصرالدین شاه) بودند. کینه ناصرالدین شاه و مهد علیا نسبت به عباس میرزا و مادرش به حدی بود که در همان اوایل سلطنت ناصرالدین شاه در صدد کشتن و یا لااقل کور کردن عباس میرزا برآمد، اما مداخله دولت‌های روس و انگلیس مانع از اجرای این تصمیم شد و در نهایت به تبعید عباس میرزا و مادرش به عتبات رضایت داد. پس از مدتی اقامت در بغداد، عباس میرزا به دلیل کمی مستمری و نرسیدن آن، بدون اجازه دولت ایران به استانبول رفت و خود را تحت حمایت پادشاه عثمانی قرار داد. سرانجام پس از بیست و هفت سال تبعید با وساطت میرزا حسین خان سپهسالار، ناصرالدین شاه با بازگشت عباس میرزا به ایران موافقت نمود. عباس میرزا در هنگام اقامت در ایران همواره در معرض اتهام و دخالت در شورش‌های ضد حکومتی قرار داشت. حتی وی متهم به پرداخت کمک‌های مالی به شورشیان بابی بود. با وجود این که عباس میرزا در شرح حال خویش از

داعیه سلطنت طلبی و دخالت در شورشها خود را تبرئه کرده است (عباس میرزا، ۱۳۵۵: ۴۷)، اما در لابه لای خاطراتش می توان در موارد متعدد انتقادهای فراوان او را از ناصر الدین شاه و شیوه حکومتداری او مشاهده کرد (همان: ۱۴۸).

بهمن میرزا نیز پس از ناکامی حامیانش در به قدرت رساندن او به روسیه پناهنده شد. یک نکته شایان توجه در بلواهای جانشینی، دخالت دولتهای روس و انگلیس به ویژه مسأله ی تحت الحمایگی شورشیان و مدعیان سلطنت بود. در این زمینه می توان به ماجرای ملک قاسم میرزا- عموی بزرگ ناصر الدین شاه- اشاره کرد. این شاهزاده که به ارتباط پنهانی با بهمن میرزا و حمایت از وی متهم بود، از حکمرانی آذربایجان معزول شد و قبل از اینکه نیروهای دولتی او را دستگیر کنند، ریچارد استینوس کنسول بریتانیا در تبریز او را تحت الحمایه قرار داد (امانت، ۱۳۸۳: ۳۴۶). در هر حال نزاعهای جانشینی و مسائل حاصل از آن به ویژه حمایتهای بیگانگان از این شورش ها به شدت اقتدار شاه را به چالش می کشید.

نوع دیگری از شورش های سنتی از تمایلات تجزیه طلبانه ایلات و طوایف با یکدیگر نشأت می گیرد. در طول تاریخ ایران جماعت های عشایری یا حکومت را در دست داشته اند (مانند افشار، زند و قاجار)، یا شریک و حامی حکومت بوده اند (مثل هفت ایل یا طایفه استاجلو، شاملو، تکلو، بهارلو ذوالقدر، افشار، قاجار در عصر صفوی)، گاهی نیز در نقش مدعی و رقیب حاکمیت ها ظاهر شده (مثل قاجارها در زمان فتحعلی خان)، در مواردی نیز به انگیزه مقاومت در برابر ستم های حکومت ها در حالت جنگ و ستیز با آنها قرار داشته اند.

بنابراین عشایر در فرآیند تکوین و انتقال قدرت در ایران نقشی مهم و تعیین کننده ایفا کرده اند. جامعه عشایری بر اساس روابط ساختی و کارکردی میان طایفه ها و تحت سازماندهی و ریاست سران خویش، مستعد ساخت ویژه ای از قدرت شده اند. هویت و قوام نظام ایلیاتی به ساخت اجتماعی عشایر و تشکیلات نظام رهبری آنان وابسته است و همین ساختار سبب نقش آفرینی عشایر در صحنه حیات سیاسی ایران شده است (نیک خلق، عسکری نوری، ۱۳۷۷: ۲۳).

حاکمیت ها در ایران، همواره از عشایر احساس خطر کرده اند و حاکمان برای کاستن اقتدار عشایر و نابودی آنان با اتخاذ سیاستهای گوناگون، زمینه های فروپاشی ساختار اجتماعی و در نتیجه

در هم شکستن هرم قدرت جامعه ایلیاتی را فراهم کردند. در عهد ناصری نیز همچنان روند کاستن قدرت ایلات ادامه یافت تا بدین وسیله بر اقتدار دولت مرکزی افزوده گردد (لمتون، ۱۳۶۲: ۲۱۸). از انواع دیگر آشوب های سنتی می توان به اعتراض سپاهیان برای جیره و مواجب عقب مانده، راهزنی های یاغیان و حملات ترکمانان و مواردی از این دست اشاره کرد. در مورد حملات ترکمانان یادآوری این نکته ضروری می نماید که برای حکومت قاجاریه نگهداری مرزهای ایران و کنترل ایلات دشت ترکمان معضل بزرگی بود. آنان نمی توانستند اوزبکان و ترکمانان را که اتباع ایرانی را غارت می کردند و آنها را به بردگی می گرفتند، از تاخت و تاز باز دارند. مهم ترین ایلات ترکمان در درون مرزهای ایران گوگلان و یموت هر دو سنی مذهب بوده اند. موریه که میان سال های ۱۸۱۰-۱۸۱۶ به ایران سفر کرده، یموت و گوگلان را بر روی هم هشت تا ده هزار خانوار برآورد کرده است. وی می گوید که اطاعت آنان از دولت صوری بود و هر ساله از اهدای چند اسب به شاه فراتر نمی رفت. شاه نیز مواظب بود تا موجبی برای ناراضیاتی آنها فراهم نشود، شاه معمولاً بیش از آنچه می ستاند به آنان باز می داد (همان: ۲۲۷).

نوع دوم شورش های عهد ناصری، شورش های گذاری یعنی (نیمه سنتی و نیمه جدید) هستند. تحولات اجتماعی و افکار نو بر شکل گیری این شورش ها تأثیر گذاشته است، از این رو محتوا و ماهیت این شورش ها و حتی ترکیب شرکت کنندگان آنها با اشکال سنتی متفاوت است. شورش بایبان، جنبش تنباکو و اعتراض های زنان به خاطر کمبود نان و گرانی ارزاق که در دوره ی ناصری به وقوع پیوست، در زمره ی این شورش های گذاری به شمار می آیند. افزون بر اندیشه های نو و محتوای مترقیانه ای که به ویژه در حرکت بایبان و جنبش تنباکو مطرح می شد، شرکت کنندگان نیز با شورش های سنتی متفاوت بودند. بنابراین می توان حضور زنان و افزایش مشارکت آنان را یکی از وجوه اساسی تمایز شورش های گذاری و سنتی به شمار آورد. عین السلطنه در بیان حوادث سال ۱۳۱۰ هـ. ق. اشاره ای به اعتراض های زنان عهد ناصری نسبت به شاه دارد: «زن های سویلیزه نادرستی طهران پیدا کرده. یک روز مسجد سپهسالار در رکاب شاه رفتم نمی دانم چه بنویسم از زن ها... آنقدر نادرست و حرف مفت زن شده اند که حد و حصر ندارد. متصل برای شاه و سایرین که ملتزم بودند، مضمون می گویند. نمی دانم چندی بگذرد چه

خواهد شد. هرگز مضامین آنها را بعد از دو ساعت فکر نمی شود ساخت» (عین السلطنه ج اول، ۱۳: ۵۲۲).

عین السلطنه در جای دیگری از خاطراتش از اعتراض و بدگویی زنان نسبت به شاه به دلیل گرانی ارزاق و کمبود نان سخن گفته (عین السلطنه ج اول: ۹۰۶)، اعتماد السلطنه نیز در روزنامه خاطراتش به این اعتراض اشاره کرده است (اعتماد السلطنه: ۹۹۱). البته این گونه اعتراض ها، خاص تهران نبوده در شیراز نیز در زمستان ۱۲۸۳ هـ ق. به دنبال افزایش نرخ غله و مواد غذایی مردم شیراز اعم از زن و مرد در میدان و درب عمارت دیوانی به منظور اعتراض تجمع می کنند (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۱/۸۲۹). در جنبش تنباکو و شورش های بایان نیز زنان فعالانه مشارکت داشتند. شایان ذکر است که به هنگام شورش بایان در زنجان و نیریز زنان مانند مردان لباس می پوشیدند و در کنار آنها می جنگیدند، حتی در دومین قیام نیریز ظاهراً تعداد زنان بر مردان فزونی داشته است (فوران، ۱۳۷۷: ۲۴۳).

از دیگر ویژگی های شورش های گذاری، نوع مطالبات و اتکای مضامین آن بر اندیشه های نو است، برای نمونه در جنبش تنباکو مهمترین خواسته های روشنفکران پایان بخشیدن سلطه اقتصادی و سیاسی بیگانگان در ایران، اعمال محدودیت های قانونی بر قدرت خودکامه شاه و توسعه نهادهای آموزشی قضایی و مانند اینها بود که در این مطالبات «خطوط مبهم تجدد» نمایان است (همان: ۲۵۷).

در این دوران آشنایی فزاینده روشنفکران ایرانی با دانش و اندیشه های روشنفکری غرب و حضور فیزیکی و نفوذ اقتصادی دولت های استعمارگر و افزایش آگاهی های اجتماعی سبب شد که مردان و زنان را به تدریج به سوی درک و مطالبه حقوق انسانی و داشتن دولتی پاسخگوتر سوق داده در مواردی به عرفی شدن بن مایه های فکری این اعتراض ها منجر شود (مک الرون، ۱۳۸۶: ۳).

فهرستی از مهمترین شورش های عهد ناصری به تفکیک نوع و سال وقوع در جدول های ذیل تنظیم شده است:

سال	عنوان شورش	نوع شورش	منبع
۱۲۶۴هـ.ق	شورش فضلعلی خان در کرمان	سنتی	سپهر ج ۳: ۱۰۰۲
۱۲۶۴هـ.ق	فتنه سالار	سنتی	سپهر ج ۳: ۹۸۶
۱۲۶۴هـ.ق	شورش سربازان بر امیر نظام اتابک اعظم	سنتی	سپهر ج ۳: ۱۰۰۶
۱۲۶۴هـ.ق	شورش بابی ها در مازندران	گذاری	سپهر ج ۳: ۱۰۱۴
۱۲۶۴هـ.ق	پناهندگی بابی ها در قلعه شیخ طبرسی و درگیری نیروهای حکومتی با آنها	گذاری (اولین و خشن ترین برخوردهای بابی ها و نیروهای حکومتی)	Borjian, 2006, 387
۱۲۶۴هـ.ق	درگیری و ستیز علمای تبریز در مورد تکفیر شاگردان شیخ احمد احسائی توسط میرزا احمد مجتهد	سنتی - مذهبی	اعتماد السلطنه ج اول، ۱۳۶۳: ۱۶۲
۱۲۶۴هـ.ق	ظهور فتنه قره العین	گذاری	سپهر ج ۳: ۱۹۹۷
۱۲۶۵هـ.ق	شورش بابی ها در زنجان	گذاری	سپهر ج ۳: ۱۰۵۸
۱۲۶۵هـ.ق	شورش اشرار اصفهان و درگیری های غلامحسین خان سپهدار حاکم جدید اصفهان با آنان	سنتی	سپهر ج ۳: ۱۰۷۸
۱۲۶۵هـ.ق	فتنه و شرارت حاکمان باجلان و بختیاری	سنتی، شورش های ایلی	سپهر ج ۳: ۱۰۸۷
۱۲۶۵هـ.ق	تعدی و شرارت قبیله ای بسحاق	سنتی، تعرضات ایلی	سپهر ج ۳: ۱۰۸۸
۱۲۶۵هـ.ق	شورش بابی ها به رهبری ملاحسین بشرویه ای	گذاری	اعتماد السلطنه ج اول، ۱۳۶۳: ۱۶۲
۱۲۶۵هـ.ق	غوغای اهالی تبریز و حوالی آن به جهت ظهور کرامتی از مقام معروف به بقعه صاحب الامر واقع در میدان صاحب الزمان (عج)	سنتی - مذهبی	سپهر ج ۳: ۱۱۰۷
۱۲۶۵هـ.ق	فتنه شیخ نصر خان حاکم بندر بوشهر	سنتی	اعتماد السلطنه ج اول: ۶۴

۱۱۰۵: ۳ سپهر ج	گذاری	شورش سید یحیی دارابی در تبریز و دعوت مردم به طریقه سید محمد باب	۱۲۶۶هـ.ق
اعتماد السلطنه ج اول: ۱۶۴	سنتی	یاغیگری شیخ حسین خان (عموی شیخ نصر خان) در بندر بوشهر	۱۲۶۶هـ.ق
۱۱۲۲: ۳ سپهر ج	سنتی	طغیان امام ویردی خان نیشابوری	۱۲۶۷هـ.ق
۱۱۳۲: ۳ سپهر ج	سنتی	حمله ترکمانان به قافله زائران مشهد مقدس	۱۲۶۷هـ.ق
۱۱۳۲: ۳ سپهر ج	سنتی	حمله بلوچ به زائران مشهد مقدس	۱۲۶۷هـ.ق
۱۱۲۴: ۳ سپهر ج	سنتی	تحصن و شورش گروهی از مردم لار	۱۲۶۷هـ.ق
۱۱۸۰: ۳ سپهر ج	سنتی - مذهبی	آغاز فتنه تیمور از قبیله کوران قلعه زنجیری و ادعای او مبنی بر نیابت امام زمان (عج)	۱۲۶۸هـ.ق
اعتماد السلطنه ج اول: ۶۴	سنتی - ایلیاتی	فتنه و فساد قبایل بلوچ	۱۲۶۸هـ.ق
اعتماد السلطنه ج اول: ۶۵	سنتی	فتنه اشرار خطه خوانسار	۱۲۶۸هـ.ق
سپهر ج ۳: ۵- ۱۱۸۴	گذاری	طغیان بابیان به سرکردگی ملاشیخعلی و تحریک بابیان برای سوء قصد به شاه	۱۲۶۸هـ.ق
۱۱۹۲: ۳ سپهر ج	سنتی	تاخت و تاز ترکمانان در اراضی خراسان	۱۲۶۸هـ.ق
اعتماد السلطنه ج دوم ۱۳۶۷: ۱۱۳۳	سنتی	سرکشی میرزا رفیع خان فورگی	۱۲۶۸هـ.ق
اعتماد السلطنه ج دوم ۱۳۶۷: ۱۱۳۴	سنتی	سرکشی های اهالی قلعه گزیک و طاقان از قلاع خراسان	۱۲۶۸هـ.ق
اعتماد السلطنه ج اول ۱۳۶۳: ۶۶	سنتی - ایلیاتی	شرارت های طوایف کاکاوند و خالدوند در لرستان	۱۲۶۹هـ.ق
اعتماد السلطنه ج اول ۱۳۶۳: ۶۶	گذاری	شورش بابیان در تبریز	۱۲۶۹هـ.ق

اعتماد السلطنه ج اول ۱۳۶۳: ۶۷	سنّتی - ایلیاتی	شرارت های محمد علی بختیاری هفت لنگ	۱۲۷۰ هـ.ق
اعتماد السلطنه ج ۳، ۱۳۶۷: ۱۷۵۷	سنّتی	شورش در بندر عباس و خودسری های شیخ عبدالرحمن و برخی از مشایخ دیگر در آنجا	۱۲۷۰ هـ.ق
اعتماد السلطنه ج ۱: ۶۷	سنّتی	سرکشی های جعفر خان کلاتی و تسخیر کلات توسط نیروهای حکومتی	۱۲۷۰ هـ.ق
اعتماد السلطنه ج ۱: ۶۸	سنّتی - ایلیاتی	غارتگری های قبایل بلوچ در منطقه سیستان و جنگ محمد حسن خان سردار، حکمران یزد و کرمان با آنها	۱۲۷۱ هـ.ق
حسینی فسایی ج اول: ۸۰۸	سنّتی - ایلیاتی	حمله خداکرم خان بویراحمادی کهکیلویه ای بر ایل بختیاری	۱۲۷۲ هـ.ق
اعتماد السلطنه ج ۱: ۶۰	سنّتی	تاخت و تاز افغان ها به قاینات و جنگ میر علم خان امیر قاین با آنها	۱۲۷۲ هـ.ق
اعتماد السلطنه ج ۱: ۷۱	سنّتی	شرارت ترکمن های سرخس، مرو، تکه و قاری قلعه	۱۲۷۴ هـ.ق
حسینی فسایی ج اول: ۸۲۱	سنّتی - ایلیاتی	درگیری طوایف ایل بهارلو و شورش ایل اینالو	۱۲۷۵ هـ.ق
اعتماد السلطنه ج ۱: ۷۲	سنّتی	شورش اهالی عربستان (خوزستان) بر ضیاء الملک	۱۲۷۷ هـ.ق
اعتماد السلطنه ج ۳، ۱۳۶۷: ۱۸۴۰	سنّتی	خودسری میرزا سلطان محمد خان بهبهانی	۱۲۷۸ هـ.ق
اعتماد السلطنه ج ۳، ۱۳۶۷: ۷۳	سنّتی	آشوب های ترکمانان در نواحی مختلف	۱۲۷۹ هـ.ق
اعتماد السلطنه ج ۳، ۱۳۶۷: ۷۴	سنّتی - ایلیاتی	شرارت های طایفه سگوند لرستان	۱۲۸۰ هـ.ق

اعتماد السلطنه ج ۳، ۱۳۶۷: ۷۴	سنتی - ایلیاتی	تاخت و تاز قبایل یموت و جنگ سپه سالار اعظم با آنها	۱۲۸۱ هـ ق
اعتماد السلطنه ج ۳، ۱۳۶۷: ۷۵	سنتی	یاغیگری اشرار اورامان کردستان و سرکوبی آنها توسط امان الله خان والی کردستان	۱۲۸۳ هـ ق
سعیدی سیرجانی، ۴: ۱۳۶۱	سنتی - ایلیاتی	تاخت و تاز طایفه عرب کطلی به دهات توابع جهرم	۱۲۹۱ هـ ق
سعیدی سیرجانی، ۱۷: ۱۳۶۱	سنتی	شورش فوج مراغه برای جیره و مواجب عقب افتاده	۱۲۹۲ هـ ق
سعیدی سیرجانی، ۳۱: ۱۳۶۱	سنتی	شورش افواج فریدن و چهارمحال اصفهان برای جیره و مواجب عقب افتاده	۱۲۹۲ هـ ق
سعیدی سیرجانی، ۹۶: ۱۳۶۱	سنتی	شورش سربازهای فوج افشار به خاطره جیره و مواجب عقب افتاده	۱۲۹۵ هـ ق
سعیدی سیرجانی، ۱۲۶: ۱۳۶۱	سنتی	بست نشستن سربازان اردبیل، مشکین در سر توپخانه به واسطه نرسیدن مواجب	۱۲۹۷ هـ ق
اعتماد السلطنه ج ۱: ۷۹	سنتی	شورش شیخ عبداللّه کرد نقشبندی	۱۲۹۷ هـ ق
سعیدی سیرجانی: ۱۶۳	سنتی	بلوای توپچیان فرقانی ساخلوی فارس به جهت جیره عقب افتاده	۱۲۹۹ هـ ق
اعتماد السلطنه، ۴۰۱: ۱۳۸۵	گذاری	پناهندگی سه هزار خانوار ایل شاهسون به خاک روسیه	۱۳۰۲ هـ ق
سعیدی سیرجانی: ۳۱۳	سنتی - ایلیاتی	نزاع ایل بختیاری به واسطه تغییر ایلخانی و ایل بیگی	۱۳۰۷ هـ ق
اعتماد السلطنه ۷۰۲: ۱۳۸۵	سنتی - ایلیاتی	درگیری ایل سگوند با یکی از ایلات دیگر	۱۳۰۷ هـ ق
اعتماد السلطنه ۷۱۸: ۱۳۸۵	گذاری	تجمع بابی ها در عشق آباد و نگارش عریضه برای امپراطور روس به منظور این که به تابعیت روس	۱۳۰۸ هـ ق

		درآیند	
اعتماد السلطنه ۱۳۸۵: ۷۶۵	گذاری	جنبش تنباکو	۱۳۰۹ هـ.ق
اعتماد السلطنه ۱۳۸۵: ۷۷۴	سنتی	سرکشی عده ای مرشدهای طایفه علی الهی در کرمانشاه	۱۳۰۹ هـ.ق
اعتماد السلطنه ۱۳۸۵: ۸۲۸	سنتی - مذهبی	اغتشاش به واسطه خراب کردن میخانه های آرامنه توسط علمای استرآباد	۱۳۱۰ هـ.ق
همان: ۸۳۰	سنتی - ایلیاتی	درگیری عشایر ایران و عثمانی در اطراف ساوجبلاغ	۱۳۱۰ هـ.ق
عین السلطنه ج اول، ۱۳۷۴: ۹۰۶	گذاری	اعتراض زنان و بدگویی به شاه به دلیل کمبود نان و افزایش نرخ ارزاق	۱۳۱۰ هـ.ق
همان: ۸۶۷	گذاری	فحش و ناسزا گفتن مردم نسبت به شاه و سلطنت	۱۳۱۰ هـ.ق
اعتماد السلطنه ۱۳۸۵: ۸۳۶	گذاری	ورود صندوق های نارنجک توسط شیروانی های بابی تبعه روس به ایران برای کشتن شاه، ولیعهد و امین السلطان و نایب السلطنه	۱۳۱۰ هـ.ق

آنچه در این جدول ها آمده، فقط تعدادی از شورش های عهد ناصری است. اگر چه تعیین تعداد دقیق این گونه رخدادها کار آسانی نیست، لکن آمار موجود در منابع، رقمی در حدود ۱۶۹ شورش گزارش داده اند که در میان آن ها، شورش های محلی، منازعات درون قبیله ای و بین طایفه ای، راهزنی ها، حمله به شهرها و روستاها، تاریخی دیرینه دارد (فوران، ۱۳۷۷: ۲۳۸). اما تعدادی از این شورش ها به دلیل ماهیت، محتوا و شیوه درخواست مطالبات با شورش های گذشته تفاوت دارند. وقوع این شورش ها چه در شکل سنتی و چه گذاری نشانه ناتوانایی حکومت در ایجاد نظم اجتماعی و سست شدن ارکان مشروعیت نظام حکومتی است.

در این موقعیت بحرانی و با توجه به نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانگان و دخالت های آنان در شورش های داخلی، دولت ناصری ناگزیر بود تدابیر مناسبی برای رهایی از این بحران جستجو

کند، در اثر تحولات زمانه و افزایش آگاهی های اجتماعی، عرصه های گوناگون حیات اجتماعی و سیاسی دچار تغییر شده بود. در همین راستا، معیارهای مشروعیت حکومت و ابزار و منابع کسب آن نیز متحول گشت. این تحول در بطن خود از ناکارآمدی ایده ها و منابع سنتی مشروعیت بخشی حکومت حکایت می کرد. به همین دلیل، مدیریت این بحران جز بر پایه ایده های سیاسی نو و استقرار نهادها و نمادهای جدید ممکن نمی شد و این خود مستلزم گسست از شیوه ها و ایده های سنتی بود. در واقع اصلاحات تجدد گرایانه ناصرالدین شاه پاسخی در برابر تهدیدهای مختلفی بود که حکومت ناصری با آن مواجه شد.

هانس اولریش وهلر^۱ واکنش هایی از این دست را در قالب نظریه ای به نام «نوسازی تدافعی»^۲ تحلیل می کند. وهلر مفهوم نوسازی تدافعی را برای مشخص و برجسته ساختن اصلاحات انجام شده در دولت های پروس و آلمان بین سال های ۱۷۸۹ و ۱۸۱۵ به کار می برد. به نظر وی، اصلاحات ارضی، اداری و نظامی پاسخی بود نسبت به آنچه طبقه حاکم به عنوان تهدید انقلاب فرانسه و ناپلئون می فهمیدند. نظریه نوسازی تدافعی، قابلیت کاربرد وسیعی را داراست. برای مثال تعدادی از نهضت های اصلاحی در قرن نوزدهم مانند ترک های جوان در امپراتوری عثمانی یا بازگشت میچی در ژاپن را می توان پاسخ هایی در برابر تهدیدی که با ظهور غرب مطرح شده است در نظر گرفت (برک، ۱۳۸۱: ۱۶۹).

اولین واکنش ناصرالدین شاه برای مدیریت بحران با اجرای اصلاحاتی در حوزه نظامی آغاز شد، وقوع آشوب های متعدد، کاستی های قشون را برای هیأت حاکمه آشکار ساخت، چنان که ناصرالدین شاه مکرر این نکته را بیان می کرد که «ظهور فتنه اکراد برای ما درسی است که از خواب غفلت جسته، ملتفت شویم که نه قشون داریم و نه مهمات قشونی و با همه مصارف عمدی و پول های گزاف که برای اسلحه و لوازم قور خانه از کیسه دولت رفته است، سلاح قشون ایران ناجور و مندرس و در مقابله با دشمن ناقابل است» (امین الدوله، ۱۳۵۵: ۶۹).

1. Hans-Ulrich wehler
2. defensive modernization

بخشی از مهمترین اقدامات اصلاحی را در زمینه سامان دهی قوای نظامی در عهد ناصری، امیرکبیر انجام داد وی از طریق توسعه و تجدید سازمان قشون، تأسیس و تجهیز کارخانه های مهمات سازی، ساخت دژها و استحکامات نظامی و سایر اقدامات اصلاحی موجبات ابقای نظام سیاسی قاجار را فراهم کرد. از بعد انتظامی و امنیتی نیز در دوره ناصری فعالیت های مهمی در دوران امیر کبیر و پس از آن در زمان صدرات میرزا حسین خان سپهسالار انجام شد. پس از وقوع شورش های سال های ۱۲۷۷ تا ۱۲۷۸ (به ویژه بلوای نان که در ۱۷ شعبان ۱۲۷۷)، ناصرالدین شاه دریافت که قوای انتظامی موجود، توانایی لازم را برای مقابله با شرایط اضطراری ندارد؛ از این رو به صرافت ایجاد یک ارگان متشکل تر افتاد. پس از بازگشت شاه از سفر دوم فرنگستان در سال ۱۲۹۵ هـ.ق. اداره نظمی (اداره پلیس) با اقتباس از الگوی سازمان های اروپایی و به ریاست کنت دومونت فرت^۱ شکل گرفت. کنت مدت دوازده سال در ایران خدمت کرد و ظاهراً در قیام بر ضد رژی، به علت درگیری با علما، آنان خواستار عزل او شدند. کنت یک سال بعد از استخدام در سال ۱۲۹۶ هـ.ق. قوانینی را که بعدها به کتابچه قانون کنت معروف شد، به تأیید شاه رساند. ناصرالدین شاه پس از مطالعه کتابچه مذکور و دادن تغییراتی، قوانین کنت و دست خط خویش را به نایب السلطنه داد تا در مجلس دارالشورا قرائت و به امضای وزرا برساند.

برخی از مفاد مندرج در این قانون نامه که متضمن اهداف اصلی شاه از تأسیس اداره است، نقل می شود:

«کسی که بر خلاف پادشاه یا خانواده سلطنت حرف بزند یا این که بر ضد پادشاه و یا خانواده خیال بدرفتاری و تحریک بد در نظر داشته باشد بعد از تحقیق و ثبوت، از یک سال الی پنج سال، به درجه تقصیرات مقصر، با زنجیر محبوس خواهد شد.

کسی که کنکاش و خیالات و تحریک بد در حق دولت بکند و یا افترا و تهمت تحریر و تقریر به دولت بزند، بعد از ثبوت تقصیر او بر حسب حدود و تقصیرات، از یک سال الی پانزده سال محبوس خواهد شد» (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۱۴۵).

1. Cont De Monte forte.

«کسی که جسارت نموده در ضد پادشاه اعلانات و نوشتجات در کوچه ها بچسباند. هر کس بوده باشد و هم چنین کسی که مخالف مردم حرکتی کرده و اذیت برساند، بر حسب تقصیر او، از یک ماه الی پنج سال حبس خواهد شد.» (همان: ۱۴۷).

پس از ارتش نوبت به دستگاه اداری رسید و اصلاحات نهادی با تقسیم وظایف میان وزیران، ایجاد وزارتخانه، تقسیمات کشوری دقیق تر و تجدید سازمان دستگاه عدالت صورت گرفت. برای اجرای بهتر این امور، برنامه آموزش کادرها از طریق گسترش مدارس جدید در داخل کشور و اعزام دانشجویان به خارج به اجرا گذاشته شد.

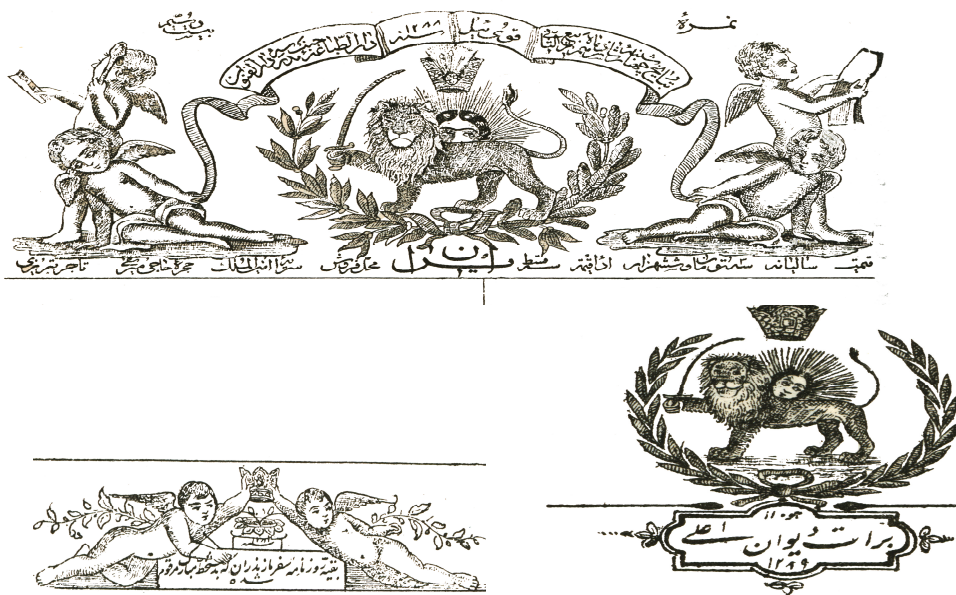
تشکیل وزارتخانه های مالی، خارجه، جنگ، داخله و عدلیه، تحول مهمی در ساختار حکومت قاجار پدید آورد. پولاک انگیزه شاه را از این تحول ساختاری اینگونه بیان می کند: «ناصرالدین شاه که از تجربیات گذشته دریافته بود تمرکز قدرت در دست یک نفر تا چه حد خطرناک است، تصمیم گرفت که از این پس سمت صدارت عظمی را خالی نگاه دارد و برای هر رشته از کارها وزیر متخصص انتخاب کرد» (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۹۱). تشکیل وزارتخانه ها به ویژه وزارت داخله بر تمرکز قدرت تأثیر گذاشت و بر نظارت و کنترل دولت در قلمرو حکومتی افزود. ناصرالدین شاه افزون بر این تغییرات با بهره گرفتن از سایر دستاوردهای تجدد و مدنیت اروپایی به ویژه وسایل ارتباطی نوین چون روزنامه، پست، تلگراف، راهسازی و حتی با اقتباس از برخی شیوه های نظارتی و کنترل مرسوم در اروپا (مانند سانسور و تبعید مجرمان)، ابزارهای نوینی جهت مشروعیت بخشی و کنترل عوامل بحران به دست آورد.

کاربرد وسایل ارتباطی نوین برای تحکیم قدرت و احیای هویت نظام

روزنامه های دولتی: در آن زمان به دستور ناصرالدین شاه روزنامه های متعددی چون وقایع اتفاقیه، دولت علیه ایران، شرف، مرآت السفر مشکوة الحضر، روزنامه علمی، روزنامه دولتی، روزنامه ملتی و روزنامه ایران منتشر شد. یکی از انگیزه های مهم ناصرالدین شاه از انتشار این روزنامه ها این بود که خود را در نظر اروپاییان، پادشاهی پیشرو و متمدنی و نشان دهد که در ایران نیز مانند ممالک اروپایی، روزنامه ها متعدد است. اما افزون بر این، روزنامه ها

کارکردهای دیگری نیز داشتند؛ از طریق این رسانه، فرمان‌ها، متن تلگراف‌ها، دستخط‌های شاه و اعلان‌های حکومتی به اطلاع مردم می‌رسید.

روزنامه‌ها در کنار توانایی‌های مربوط به انتشار خبرهای خود، امکان چاپ و گسترش خبرهای تصویری را نیز پیدا کردند. از سال ۱۲۷۷ هـ.ق در روزنامه‌های دولتی مانند *روزنامه دولت علیه* و *روزنامه شرف* به طور مرتب تصاویر شاه به چاپ می‌رسید. در واقع روزنامه ابزار تبلیغاتی مهمی برای دستیابی حکومت به اهداف گوناگون آن بود. به ویژه تصاویر، نشان‌ها و آرم‌هایی که در داخل روزنامه چاپ می‌شد، در احیای هویت و نمایش اقتدار سلطنت و سمبول‌های قدرت نقش مهمی داشتند. برای نمونه در روزنامه ایران در بالای صفحه اول تصویر تاج شاهی در فراز نشان شیر و خورشید، اقتدار سلطان را به نمایش می‌گذاشت و یا تمائیل فرشتگانی که تاج شاه را با دست نگاه داشته‌اند، نمادی از وجاهت قدسی سلطنت و حفاظت آن به دست نیروهای فرازمینی و ملکوتی بود.^۱



۱. نگاه کنید به تصاویر روزنامه ایران، چهارشنبه ۱۶ ربیع الثانی ۱۲۸۸، ش ۲۳، ص ۱.

- تلگراف: اعتماد السلطنه در اخبار مربوط به حوادث سال ۱۲۷۵ هـ. ق. از برقراری خط تلگرافی از دارالخلافه به عمارت سلطانیه و از آنجا به تبریز گزارش داده است (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۳/۱۸۱۲). و در همان سال خط تلگرافی از دارالخلافه تا گیلان نیز کشیده شد (همان: ۱۸۴۹). سپس در سال ۱۲۸۳ هـ. ق. خطوط تلگراف ایران با دولت های روس و انگلیس اتصال پیدا کرد (همان: ۱۸۸۷). این وسیله ارتباطی مشکلات ناشی از بعد مسافت را که مانع بزرگی برای دستیابی حکومت به اطلاعات لازم درباره اوضاع ایالات و نظارت بر آنها بود، از میان برداشت و در راستای اهداف تمرکز طلبانه دولت مرکزی مفید واقع شد.

- بهبود وضعیت راه ها با نظارت مهندسان اروپایی: صدور فرمان ناصرالدین شاه (در سال ۱۲۶۷ هـ. ق.) مبنی بر احداث جاده ها، تأسیس چاپارخانه، قراولخانه و اقداماتی از این دست به منظور تسهیل و تسریع کار ملازمان دولت در طی مسافت ها و همچنین رفاه عمومی صورت گرفت (سپهر، ۱۳۷۷: ۳/۱۳۵)، و این تسهیلات، شرایط مناسبی را برای مقابله با اشرار و سرکوبی شورش ها فراهم می ساخت.

ایجاد پست و انتشار تمبر

با تأسیس خدمات پستی بر اساس الگوهای غربی، موفقیت چشمگیری در ایران حاصل شد که در راه ایجاد یک سیستم حکومتی کارآمد و گسترش افکار جدید نقش مهمی ایفا کرد. از این خدمات جدید تنها به منظور انتقال سریع نامه ها و اخبار استفاده نمی شد، بلکه حکومت از آن در حکم نهادی رسمی و فعال برای نظارت بر کل ایران از طریق دولت مرکزی تهران بهره می گرفت. در اجرای این سیاست، تمبرهای پستی که انتشار آنها در سال ۱۲۸۵ هـ. ق. آغاز شد، نقش مهمی بر عهده داشتند.

ساختار جدید پست ایران همچون ایده تولید روزنامه در ایران از امیر کبیر برخاست؛ البته برنامه های اولیه مربوط به ساخت دفاتر خدمات پستی به وسیله عباس میرزا طراحی گردید و در زمان حکومت محمد شاه اولین شعبه پستی که به چاپارخانه در نزد ایرانیان شهرت داشت به وجود آمد و وظیفه آن فقط کمک به جابه جایی نامه های اداری در کشور بود.

بازرگانان روسی و انگلیسی در ایران از شعب پستی کشورهای خود که در ایران قرار داشت، استفاده می کردند. شرکت پست حکومتی که سوای شعب فعال پستی در کشور، فعالیت خود را آغاز کرد، تشکیلات منظم و نوینی بود که همچون ارتش، آموزش و پرورش در خدمت تقویت درونی و بیرونی ایران بود. از آن جا که تمامی طبقات و گروه های اجتماعی از این سیستم ارتباطی تحت نظارت دولت برخوردار بودند، این سیستم می بایستی در جهت گسترش دامنه نفوذ دولت در همه حوزه های زندگی مردم فعالیت می کرد. نیروهای هدایت کننده اداره پست همه از دارالفنون برخاسته بودند، جایی که امیرکبیر به منظور گسترش ایده های نظامی و اجرایی خود با بهره گیری از علوم فنی راه اندازی کرده بود. اسب سواران پستی با برگه های مخصوصی که بر روی آن ها نقش شیر خورشید وجود داشت و با لباس های خاصی مشخص می شدند. به تدریج شرکت پست ایران موفق شد تا با آژانس های پستی خارجی نیز وارد همکاری شود تا خبرهای داخل ایران راحت تر به خارج از کشور منتقل شود. پس از واقعه قتل امیرکبیر شرکت پست ایران تا مرز سقوط پیش رفت، اما بارها و بارها به کمک اصلاحات مؤثری که به وجود آمد از خطر زوال نجات یافت. در جریان طرح های اصلاحی یک هیأت رسمی به ریاست حاجی محسن خان که از نزدیکان مورد اعتماد میرزا علی خان امین الدوله بود، به پاریس فرستاده شد، تا در آنجا بر روی سکه های پادشاهی و امکانات چاپ تمبرها برای شرکت پست ایران به کسب دانش و تجربه پردازند (Siebertz, 2002: 105- 107). بعدها به درخواست ناصرالدین شاه، کارشناسی اتریشی به نام گوستاو ریدرر^۱ که در صفر ۱۲۹۰ برای سازماندهی شرکت پست ایران به سمت رئیس اداره پست ایران منصوب شد. ریدرر در سایه حمایت های همه جانبه امین الدوله و طی سه سال فعالیت موفق شد سیستم ضعیف و کم بازده پست ایران را به سیستمی اداری و محکم تبدیل کند.

ریدرر در ۲۲ شعبان ۱۲۹۴ هـ.ق. / اول سپتامبر ۱۸۷۷م. ایران را به صورت یکی از نخستین اعضای جامعه پست بین الملل به عضویت این جامعه در آورد. از آن پس ایران نه فقط به سیستم ارتباطات جهانی ملحق شد، بلکه تبادلات پستی آن با خارج از کشور ساده تر و سریع تر گردید. از همه مهم تر اینکه تمبرهای ایران نیز در سراسر جهان اعتبار یافتند. از دیگر اقدامات این کارشناس

1-Gustav Riderer.

اتریشی، ابتکار وی در ترکیب بندی تصاویر تمبرها بود، در این زمینه علاوه بر نشان شیر و خورشید، تمبرهای آن زمان تصویری از ناصرالدین شاه را نیز در برداشتند و این در حالی است که سکه های ایرانی چند سال پس از چاپ تمبر منقوش به عکس شاه، با عکس پادشاه ضرب شد. همچنان که تمبرهای منقوش به چهره ناصرالدین شاه تداعی کننده یک شخصیت مقتدر در رأس سلطنت ایران بودند، بیانگر برنامه های مدرنیزه سازی و اصلاحات نیز به شمار می رفتند. گسترش نمادهای اقتدار حکومتی باعث شد تا رفته رفته سلطه تاج و تخت سلطنت، قبایل و اقلیت های قدرتمند کشور را که بیشتر شورش ها به آنها مربوط می شد، در بر گیرد (Siebertz: 115-117). در یک جمع بندی می توان گفت که تمبرهای این دوره، رسانه هایی برای انتقال تصاویر دلخواه حکومت همچون تصویر نشان های سلطنتی یا تصویر پادشاه به تمام نقاط کشور بودند. بدین سان آنها، بخشی از سنت نمایش وجوه سلطنت به شمار می رفتند، که هم نشانگر تجدد گرایی حاکمیت بودند، و هم وظیفه مشروعیت بخشی به سلطه حکومت را بر عهده داشتند.

بدین سان ناصرالدین شاه، برای رفع بحران های اجتماعی و سیاسی به اصلاحات متجددانه روی آورد و متناسب با زمینه های وقوع بحران، تلاشی جدی را برای مدیریت آن با استفاده از رهنمودهای دولتمردان متجدد نظام آغاز کرد. شاه با به کار گرفتن تجربیات حاصل از سفرهای فرنگ و رهنمودهای دولتمردان متجدد و سایر منابع مطالعاتی توانست تا حدودی بسیاری از بحران های موجود و در رأس همه، بحران مشروعیت و مشکلات ناشی از آن، چون بحران کار آمدی^۱، بحران سلطه و استیلا^۲ و بحران همبستگی نخبگان سیاسی و یا طبقه

۱. بحران کارآمدی: کارآمدی رژیم های سیاسی بر اساس میزان دستیابی به اهداف کلی حکومت و اجرای کار ویژه های عمومی به ویژه چهار کارکرد بنیادی یعنی ایجاد همبستگی، حل منازعه و کشمکش، تطبیق با شرایط متحول، سنجیده می شود یکی از مهمترین این کار ویژه ها به ویژه در دوران مدرن، تنظیم زندگی اقتصادی و حل معضلات اقتصادی جامعه است.

۲. بحران سلطه و استیلا: حکومت سازمانی است که بر وسایل اجبار و قهر سرکوب، سلطه متمرکز و انحصاری دارد از همین رو میزان تمایل و توانایی آن در سرکوب مخالفت و مقاومت عامل بسیار مهمی در فروپاشی یا استمرار حکومت است. رژیم های غیر دموکراتیکی که وفاداری کامل نیروهای مسلح خود را تضمین کنند و آمادگی لازم برای کاربرد ابزار قهر و اجبار در امر سرکوب را داشته باشند، حتی به رغم رویا رویی با بحران های مشروعیت و کارآیی دست کم در کوتاه مدت از لحاظ سیاسی آسیب ناپذیرند.

حاکم^۱ را کنترل نماید. نارضایتی مردم و بحران های مذکور می توانست زمینه فروپاشی حکومت ناصری را فراهم آورد.

در این شرایط بحرانی، ناصرالدین شاه پس از آشنایی با دستاوردهای گوناگون تجدد به گزینش عناصری پرداخت که به استحکام و ماندگاری اقتدار او مدد می رساند. نمونه ای از این عناصر گزینشی را می توان از دقت در متن یکی از اعلان های حکومتی مندرج در *روزنامه ایران* ملاحظه کرد: «چنانکه در سایر دول رسم است، مقصرین که جنایات ایشان ثابت شده باشد، جلای وطن داده به جاهای صعب و سخت بطور حبس می فرستند، مثل اینکه دول روس به سبیره و دولت فرانسه به «کاین» روانه می کنند، دولت علیه ایران هم از تاریخ حال به بعد اشخاصی که جنایت کرده باشند و یا مقصر شده باشند، بعد از تحقیق و ثبوت به قلاع محکمه بمپور و سایر بلوچستان و سیستان خواهد فرستاد (*روزنامه ایران*، ش ۴۸، یکشنبه هشتم شعبان ۱۲۸۸: ۱).

تأسیس اداره سانسور در جوار وزارت انطباعات هم یکی دیگر از عناصر اقتباسی از فرنگ بود که به عنوان یک اهرم کنترلی و نظارتی در دولت ناصری مورد استفاده قرار گرفت. دولت ناصری با کاربرد ابزار لازم از جمله دستگاه های مناسب دانش، سعی می کرد ضمن کسب توافق همگانی از تعداد مخالفانش نیز بکاهد. موفقیت ناصرالدین شاه در اعمال قدرت و تحمل پذیر ساختن آن مستلزم توانایی او در پنهان سازی ساز و کارهای قدرت و موجه جلوه دادن آن بود. رویکرد شاه به تجدد، در این فرآیند پنهان کردن و توجیه، کارآمدی لازم را داشت. بدین ترتیب ناصرالدین شاه با اتکای به این رویکرد و تعبیر و تفسیر آن مطابق منافع نظام «رژیم حقیقتی» آفرید که کلیه متون فرهنگی، ادبی، سیاسی، مفاد درسی دارالفنون و سایر جنبه های حیات مردم، تحت حاکمیت وی قرار گرفت.

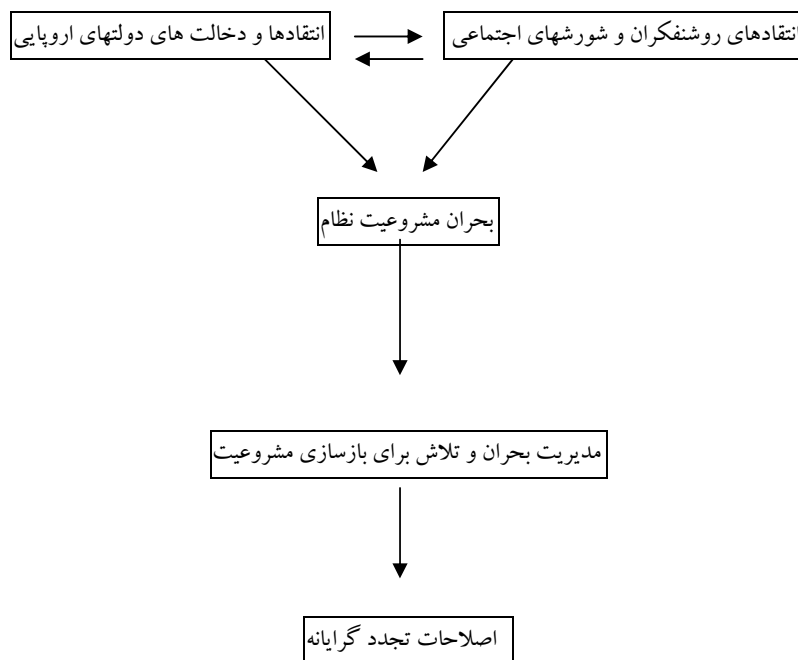
۱. این بحران یکی از زمینه های اصلی بحران زا و عوامل اصلی در فروپاشی رژیم های غیر دموکراتیک بوده است. عوامل گوناگونی سبب این شکاف می شود از جمله: اصلاحات مالی و اقتصادی که به منافع گروه های دارای قدرت اقتصادی و حکومت سیاسی آسیب برساند، رقابت های شخصی رهبران و هیأت حاکم بر سر استیلا و تفوق و غیره... (بشیریه، ۱۳۸۴: ۶۵-۶۲). در دولت ناصری اختلاف میان اصلاح طلبان و جناح محافظه کار و درباریان همواره تنش زا بوده است.

نتیجه

ناصرالدین شاه از طریق اصلاحات تجددگرایانه و تفسیر ایده های تجدد در راستای منافع خویش، تلاش می کرد تا از انتقاد های روشنفکران و شورش های اجتماعی مصون بماند و بر اعتبار و مشروعیت خویش بیفزاید. از آنجای که شاه در خارج از مرزهای فرمانروایی خود نیز در معرض قضاوت افکار عمومی به ویژه دول اروپایی قرار داشت، می خواست که در نزد آنها پادشاهی پیشرو، عادل و ملت دوست قلمداد شود تا ضمن کسب اعتبار و وجهت جهانی از توطئه های دولت های اروپایی بر ضد سلطنتش در امان باشد.

اگر چه رویکرد شاه به تجدد و اجرای اصلاحات متجددانه در حوزه های مختلف تا حدودی او را در غلبه بر بحران مشروعیت و کارآمدی یاری رساند و بر توانمندی او در نظارت و کنترل قلمرو حکومتی اش افزود؛ با این همه از آنجای که این رویکرد جنبه مصلحتی و صوری داشت همچنین به دلیل عدم اتکای آن به بنیان های نظری و فکری، در مواردی که شاه از جانب دستاوردهای تجدد احساس خطر می کرد، به شیوه های استبدادی باز می گشت و همین امر بحران مشروعیت دولت ناصری را عمیق تر می کرد. زیرا بسط آگاهی های نو و تجربه ای که از استقرار برخی نهادها و نمودهای تجدد در جامعه فراهم آمده بود، آستانه تحمل مردم را در پذیرش شیوه های استبدادی کاهش داده بود و عزم اجتماعی را در تغییر وضع موجود جزم می ساخت.

مطالب این مقاله را می توان در نمودار ذیل خلاصه کرد :



منابع

- آدمیت، فریدون؛ ناطق، هما، (۱۳۵۶) *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار*، تهران، آگاه.
- اتحادیه، منصوره، (۱۳۷۷)، *اینجا طهران است*: مجموعه مقالاتی درباره طهران ۱۲۶۹ - ۱۳۴۴ هـ.ق، تهران، نشر تاریخ ایران.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن، (۱۳۸۵) *روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه*، چ ششم، تهران، امیر کبیر.

- اعتماد السلطنه، محمد حسن، (۱۳۶۷) تاریخ منتظم ناصری، ج سوم، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن، (۱۳۶۷) مرآت البلدان، ج ۲ و ۳، به تصحیح عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- امین الدوله، میرزا علی خان، (۱۳۵۵) خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین الدوله، ج دوم، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران، امیر کبیر.
- الگار، حامد، (۱۳۶۹) دین و دولت در ایران، نقش عالمان در دوره قاجار، چ دوم، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس.
- امانت، عباس، (۱۳۸۳) قبله عالم، ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران، ترجمه حسن کامشاد، تهران، کارنامه، مهرگان.
- برک، پیتر، (۱۳۸۱) تاریخ و نظریه اجتماعی، ترجمه: غلامرضا جمشیدیها، تهران، دانشگاه تهران.
- بشیری، حسین، (۱۳۸۴) گذار به دموکراسی، تهران، نگاه معاصر.
- پولاک، یاکوب ادوارد، (۱۳۶۱) سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی.
- حسینی فسایی، میرزا حسن، (۱۳۸۲) فارسنامه ناصری، ج اول، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، تهران، امیر کبیر.
- روزنامه ایران، (ربیع الثانی ۱۲۸۸) چهارشنبه ۱۶ ربیع الثانی، ش ۲۳، ص ۱.
- سپهر، محمد تقی لسان الملک، (۱۳۷۷) ناسخ التواریخ، تاریخ قاجاریه، ج سوم، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، اساطیر.
- سعیدی سیرجانی، (۱۳۶۱) وقایع اتفاقیه: مجموعه گزارشهای خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ قمری، تهران، نشر نو.
- سالور، قهرمان میرزا (عین السلطنه)، (۱۳۷۴)، روزنامه خاطرات عین السلطنه (قهرمان میرزا سالور)، ج اول، (روزگار پادشاهی ناصرالدین شاه)، به کوشش مسعود سالور، ایرج افشار، تهران، اساطیر.

- عباس میرزا ملک آرا، (۱۳۵۵) شرح حال عباس میرزا ملک آرا، چ دوم، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، بایک.
- فوران، جان، (۱۳۷۷) مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا انقلاب اسلامی، ترجمه: احمد تدین، تهران، خدمات فرهنگی رسا.
- فیرحی، داود، (۱۳۷۸) قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام (دوره میانه)، تهران، نشر نی.
- قزوینی، محمد شفیع، (۱۳۷۰) قانون قزوینی (انتقاد اوضاع اجتماعی ایران دوره ناصری)، به کوشش: ایرج افشار، تهران طلایه.
- لمتون، آن، (۱۳۶۲) «تاریخ ایلات ایران»، ترجمه علی تبریزی، ایلات و عشایر، تهران، آگاه.
- مک الرون، سوزین، (۱۳۸۶) «زنان عصر قاجار در عرصه اجتماع»، ایران نامه، سال بیست و سوم، ش ۳ و ۴، پاییز و زمستان.
- محبوبی اردکانی، حسین، (۱۳۶۸) چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، ج دوم، تعلیقات حسین محبوبی اردکانی بر المآثر و الآثار در احوال رجال دوره و دربار ناصری، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر.
- نیک خلق، علی اکبر، عسکری نوری، (۱۳۷۷) زمینه تاریخی عشایر ایران، تهران، چاپ خشن.

Martin, Vanessa, "The Jester and the shadow of God: Naser al din shah and his fools", *Iranian studies*, vol 39 number 4, September 2007.

Borjian, Habib, 2006, «mazandarani Account of the Babi incident at Sheikh Tabarsi», *Iranian studies*, vol 39, number 3, september.

Siebertz, Roman, (2004), «Iran auf demweg in dieNeuZe it: staatsideologie, verwaltungsreform and modernisierung unter Nāseral – din shah im Spiegel der brief marke 1868 / 1285 , 1896 / 131» , *IRanisTiek* (2002)1: 101-122.